



شکنجه سفید

ترفندهای بازجویی و راههای مقابله با آن

کمیته نشر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)



تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

کمیته نشر - پاییز ۱۴۰۱
چاپ دوم

۶.....مقدمه

الف) شکنجه سفید چیست؟

- ۹.....سلول انفرادی بازترین مصداق شکنجه سفید
- ۱۲.....به محض ورود به انفرادی حقوق خود را مطالبه کنید
- ۱۳.....نقش خانواده‌ها در دوران بازداشت و پس از آن

ب) آشنایی با ترفندهای بازجویی

- ۱۴.....بازجویی چیست؟
- ۱۶.....تعریف بازجویی
- ۱۶.....مهمترین روزهای بازجویی
- ۱۷.....قدرتمندترین ابراز بازجو
- ۱۸.....آشنایی با برخی ترفندهای بازجویی
- ۲۴.....واکنش به اتهام‌های پی‌درپی بازجو
- ۲۵.....دروغ نشانه‌ی مجرمیت نیست!

ج) راه‌های مقابله با بازجویی

- ۲۶.....عمده‌ترین چیزی که بازجو به شما تحمیل می‌کند، چیست؟
- ۲۷.....برخی روش‌های بازجو برای بالا بردن ترس و استرس
- ۲۷.....چگونه می‌توانیم استرس و اضطراب خود را کنترل کنیم؟
- ۲۸.....توصیه‌هایی عمومی در روند بازجویی
- ۳۰.....چگونه در پاسخ به سؤالات بهتر عمل کنیم؟

مقدمه

در حکومت‌های توتالیتر و خصوصاً در کشور کثیرالمله‌ی ایران، بازجویی از فعالین حقوق بشر، سیاسی و مدنی نه‌تنها یک‌روند حرفه‌ای برای کشف حقیقت، اجرای عدالت و قوانین منصفانه نیست بلکه روشی ناعادلانه و غیرانسانی به‌منظور تسلیم، تحقیر و هتک حرمت دستگیرشدگان است تا با توسل به ابزارها و روش‌های غیرانسانی و خشونت‌آمیز در جهت بسط و گسترش قدرت خودکامه اقدام کنند. آنها تلاش می‌کنند با استفاده از روش‌های تقلب‌آمیز، دروغ و ترفندهای مختلف، فعالین سیاسی و مدنی را از ادامه فعالیت‌های خود منصرف کرده یا آنها را برخلاف حقوق قانونی و مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر از آزادی‌های سیاسی و مدنی محروم کنند.

در این کتابچه خواهیم کوشید به‌منظور حمایت از افرادی که مورد بازجویی‌های غیرعادلانه و ظالمانه قرار می‌گیرند، ضمن آشنایی آنان با ترفندهای بازجویی، راه‌های مقابله با آن را نیز مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا شناخت و آمادگی بیشتری در رویارویی با چنین خشونت‌هایی وجود داشته باشد.

هدف از انتشار این کتابچه، یاری‌رسانی به قربانیان شکنجه سفید است. شکنجه‌ای که نگهداری در سلول انفرادی یکی از بارزترین اشکال آن است. در طی این شکنجه بازجویان با استفاده از محرومیت‌های حسی، تلقین، تحقیر، مرام‌آموزی، بی‌تفاوت

سازی و سایر روش‌های روانی می‌کوشند تا مقاومت زندانی را شکسته و او را وادار به تغییر در باورها و عقایدش هرچند به صورت کوتاه‌مدت نمایند. (شست و شوی مغزی)

قربانیان این نوع شکنجه غیرانسانی ممکن است حتی مدت‌ها بعد از آزادی از زندان تحت تأثیر این نوع شکنجه‌ها و القائات مغرضانه و هدفمند بازجویان قرار داشته باشند. خصوصاً اینکه قربانی مدت‌ها پس از رهایی موقت از زندان با تهدیدات مستقیم یا غیرمستقیمی مانند تماس تلفنی، احضار و رودرویی مستقیم یا اتفاقی بازجو با آنان تحت فشار قرار می‌گیرد.

این نوع برخورد غیرانسانی که برای اولین بار در سیستم‌های کمونیستی و فاشیستی با استفاده از مشاوره روانشناسان، علیه مخالفین سیاسی بکار گرفته شد، امروز در حکومت‌های سرکوبگری نظیر جمهوری اسلامی متأسفانه به صورت سیستماتیک و حرفه‌ای تر بکار می‌رود.

از آنجایی که یکی از پایه‌ای‌ترین و بارزترین ابزار شکنجه سفید، نگهداری قربانی در سلول‌های انفرادی است، پس از تحقیق از منابع متعدد، استفاده از تجربیات بسیاری از فعالین سیاسی و مدنی و همچنین بهره‌گیری از نظر برخی روانشناسان، این کتابچه را با زبانی بسیار ساده تهیه شده تا یاری‌رسان این قربانیان نقض حقوق بشر برای تحمل آسان‌تر سلول انفرادی باشد. توجه داشته باشید فردی که بتواند سلول انفرادی را آسان‌تر تحمل نماید، اثرات مخرب و غیرانسانی شکنجه سفید بر رویش به شدت کاهش می‌یابد.

بخشی از محتوای این کتابچه، شامل تجربیات و روش‌های بسیار ساده‌ای است که در صورت دانستن آن توسط قربانی، قبل از ورود به سلول انفرادی اثرات این نوع شکنجه را بسیار کاهش داده و تحمل سلول انفرادی را آسان‌تر می‌سازد.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش) از کلیه کسانی که به این کتابچه‌ی آموزشی دسترسی دارند دعوت می‌کند تا این آموزش‌ها را برای دوستان و خویشاوندان خود خصوصاً در آذربایجان جنوبی که ممکن است تنها در صدی این تجربه تلخ و غیرانسانی را داشته باشند، ارسال نمایند تا آنان با آمادگی و آگاهی بیشتری این تجربه غیرانسانی را پشت سر بگذارند.

لازم به توضیح است این کتابچه پیش‌تر در سال ۱۳۹۴، توسط کمیته نشر تشکیلات دیرنیش چاپ و در شهرهای آذربایجان جنوبی در بین فعالان و مردم توزیع شد. در نسخه جدید، مطالبی در رابطه با دوران بازجویی و رفتارهای بازجو افزوده شده است.

الف) شکنجه سفید چیست؟

شکنجه سفید، نوعی از شکنجه است که به جای جسم؛ روح و روان فرد با روش‌های مختلف تحت فشار گذاشته می‌شود، بدون اینکه اثری بر روی بدن باقی بماند.

اهداف و مراحل شکنجه سفید

۱. ایجاد شک و تردید در باورها و آغاز سرزنش از خود
۲. تضعیف قدرت نقادی و ارزیابی زندانی در اثر محرومیت‌های اعمال شده
۳. ایجاد حس بی‌تفاوتی و سکوت نسبت به آرمان‌ها
۴. ایجاد احساس نیاز به تغییر در سیستم ارزشی برای خلاص شدن از فشارهای شکنجه
۵. ایجاد احساس از دست دادن شعور، فراموش‌شدگی و رهاشدگی
۶. شکستن باورهای فرد به وسیله تحقیر، ارباب، سؤال و جواب‌های مکرر و سایر روش‌ها
۷. ادامه فشارها بعد از پایان انفرادی و حتی آزادی، به منظور تداوم بیشتر اثرات شکنجه
۸. آماده کردن زندانی برای پذیرش اطلاعات نادرست یا همان شست و شوی مغزی
۹. همراهی شکنجه‌گر با زندانی جهت جایگزین کردن سیستم جدید عقیدتی، مطابق میل قدرت حاکمه (مرام آموزشی)
۱۰. تخلیه اطلاعات و اعتراف‌گیری

ابزار بازجویان برای شکنجه سفید

جلوگیری از دریافت هرگونه اطلاعات: اگر مدتی به مغز انسان اطلاعاتی نرسد مانند فرد گرسنه‌ای که ممکن است تن به خوردن هر غذایی دهد، مغز نیز آماده دریافت هرگونه اطلاعاتی می‌شود. بازجویان از این اصل استفاده می‌کنند تا فرد را آماده (تلقین‌پذیری و مرام‌آموزی) کنند.

وادر کردن زندانی به انتخاب‌های پی‌درپی میان بد و بدتر، توأم با تشویق و تهدید: این کار بیشتر به منظور سرزنش و نکوهش زندانی از خود صورت می‌گیرد. (تسلیم شدن یا ادامه آزارها) بزرگ‌ترین انتخابی است که در برابر زندانی گذارده می‌شود تا فرد تصور کند با استمرار مقاومت، این خود اوست که باعث ادامه آزارها می‌شود. سؤال و جواب‌های مکرر، بحث و جدل‌های فرسایشی توأم با اعمال فشارهای روانی: این کار به منظور بالا بردن استرس زندانی و غیرقابل تحمل کردن محیط صورت می‌گیرد تا او برای فرار از این شرایط مجبور به عقب‌نشینی از ارزش‌ها و باورهای خود شده و در درستی آنها تردید نماید.

درجات تسلیم شدن در شکنجه سفید

۱. پذیرش ظاهری سیستم فکری بازجو از سوی زندانی برای فرار از فشار شکنجه
۲. بی‌تفاوتی و سکوت نسبت به عقاید و باورها
۳. تجدیدنظر غیرارادی و ناخودآگاه در ارزش‌ها و باورها
۴. نوشتن نامه‌های عفو و ابراز پشیمانی یا اعتراف جلوی دوربین علیه خود و دیگران
۵. درجات مختلفی از تواب شدن، جاسوسی یا همکاری

سلول انفرادی با رزترین مصداق شکنجه سفید

عمده‌ترین مصداق شکنجه سفید نگهداری فرد در سلول انفرادی است. اکثر کسانی که زندانی شده‌اند، انفرادی را نیز تجربه کرده‌اند. سؤالی که پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان این دوران را با حداقل آسیب‌های روحی - روانی و کمترین تضییع حقوق زندانیان پشت سر گذاشت؟

روش‌های رودررویی با سلول انفرادی

هر چه زندانی خود را در سلول انفرادی بیشتر سرگرم کرده و برای خود برنامه تدارک ببیند یا خود را از حالت سکوت، انتظار و دل‌تنگی دور کند، آسان‌تر می‌تواند این دوران را تحمل کند.

بنابراین: خود را از حالت سکوت، انتظار و دل‌تنگی دور کنید؛ چگونه؟!

۱. همواره تعدادی شعر و آهنگ با مضامین سیاسی و حماسی حفظ کرده تا در انفرادی با زمزمه‌ی آنها خود را سرگرم کنید.
۲. برای ورزش، حتی در کمترین جا نیازی به اجازه نیست. پس روزی چند ساعت ورزش

- کنید و برای آن برنامه ریزی کنید. فراموش نکنید جسم سالم می‌تواند بر روی مغز تأثیرات مثبتی بگذارد و روحیه شما را به کلی دگرگون سازد.
۳. در برخی از سلول‌های انفرادی سرویس دستشویی وجود دارد، اگر چنین است با مسواک زدن، شستن مرتب دست و صورت یا با آب‌بازی خود را مشغول کنید. اگر در داخل سلول دستشویی ندارید، هنگام بردن شما به آنجا این کارها را انجام دهید.
۴. معمولاً در انفرادی به شما قرآن و نهج‌البلاغه می‌دهند، سعی کنید با خواندن و بحث و بررسی معانی این کتاب‌ها، ذهن خود را مشغول کنید. در صورتی که این کتاب‌ها را ندارید، آنها را از زندانبان بخواهید.
۵. اگر نور آفتاب به سلول شما می‌رسد، ظهر و غروب که صدای اذان را می‌شنوید، مکان سایه‌هایی که روی دیوار یا زمین می‌افتد را علامت بزنید تا با درجه‌بندی مابین این دو مکان، ساعتی آفتابی در طی روز داشته باشید.
۶. در انفرادی به خاطر محدودیت فاصله دید، چشمان شما نزدیک‌بین می‌شود، بنابراین در هر فرصتی مانند هواخوری، بازجویی یا ملاقات به اشیای دور دست خیره شوید تا عضلات چشمان شما ورزیده شوند. خستگی چشم‌ها می‌تواند محیط را آزاردهنده‌تر کند.
۷. اگر مذهبی هستید با نماز، روزه و عبادات مذهبی خود را مشغول کنید.
۸. اگر ظرف‌های یک‌بار مصرف غذا یا سایر مواد دورریختنی باعث سرگرم شدن شما می‌شود، آنها را دور نریزید. بکشید از آنها وسایل بازی یا سرگرمی بسازید تا ذهن خود را مشغول سازید.
۹. برخی اوقات شنیدن صدای چرخ تقسیم غذا، اذان، گفتگوی زندانبانان باهم می‌تواند برای شما پل ارتباطی با دنیای بیرون باشد که نشان می‌دهد زندگی در جریان است و به دنیای کوچک سلول شما ختم نمی‌شود. شما به این احساس نیاز دارید، بنابراین همه چیز را زیر نظر بگیرید.
۱۰. قسمتی از مخارج سلول انفرادی با خودتان است؛ بنابراین سعی کنید در زمان بازداشت پول کافی به همراه داشته باشید تا از امکان خرید هفتگی برای تهیه میوه، خشکبار و غیره استفاده کنید. خصوصاً خرید اجناسی که می‌تواند شما را مدت‌ها مشغول سازد.
۱۱. شما می‌توانید به بهانه مسائل شرعی، مدام اجازه حمام (غسل کردن) بگیرید تا همیشه تمیز باشید و با خروج از سلول و ایجاد تنوع، روحیه خود را تقویت کنید.
۱۲. معمولاً به محض ورود به سلول انفرادی با انبوهی از دیوارنوشته‌ها روبرو می‌شوید. این‌ها نوشته کسانی است که احتمالاً ماه‌ها و یا سال‌هاست از آنجا رفته‌اند. سرنوشت شما نیز همین است. می‌توانید برای نفرات بعدی، یادگاری، شعار و شعر بنویسید یا برای خود چوب‌خط زده تا زمان را از دست ندهید.
۱۳. اگر در سلول خود پنجره‌ای دارید که امکان غذا دادن به پرنده‌ها وجود دارد، دریغ نکنید. مقداری غذا برای پرندگان بریزید تا با آمدن آنها پشت پنجره، خود را

مشغول سازید.

۱۴. ترس می‌تواند حالت انتظار و دل‌تنگی را در شما تشدید کند؛ بنابراین ترس بی‌مورد از انفرادی را از خود دور کنید، به خود اطمینان دهید که شما نیز مانند بسیاری دیگر این دوران را پشت سر خواهید گذاشت. البته نباید به قدرت و حد مقاومت خود و دیگران تصورات غیرواقعی داشت، چراکه ممکن است در اندک زمانی این تصورات به نفرت از خود و هم‌نوعان تبدیل شده و شما را به اهداف شکنجه‌گر نزدیک‌تر نماید.

ذهن شما نیاز به خوراک دارد!

یکی از هدف‌های سلول انفرادی، جلوگیری از رسیدن اطلاعات به ذهن شماست. در این شرایط، افرادی که قوه‌ی تخیل و فانتزی ذهنی قوی‌تری دارند، کمتر آسیب می‌بینند. پس از تخیل خود بهره‌گیری و با یادآوری خاطرات گذشته، آرزوها و تولید محفوظات و ادراکات ذهنی و ساختن داستان‌هایی در ذهن؛ دست به تولید اطلاعات بزنید. برای این کار:

۱. خاطرات گذشته و دوران کودکی را از صندوقچه ذهن‌تان بیرون بکشید. آنها را به دقت مرور کنید، به جزئیات آن بیندیشید و سعی کنید از آن لذت ببرید، خصوصاً اگر خاطرات خوشی دارید.

۲. در جمع و تفریق یا ضرب و تقسیم و سایر عملیات ریاضی، خود را بیازمایید و بر مهارت خود بیفزایید. با یادآوری فرمول‌ها، نام کتاب‌هایی که در دوران تحصیل پشت سر گذاشته‌اید، نام معلمین، اساتید و بسیاری از موارد دیگر خود را مشغول کنید. نکته مهم: فراموش نکنید انسان موجودی است اجتماعی و بسنده کردن صرف به تولیدات ذهنی و اتکای بیش‌ازاندازه به خود برای عبور از دوران انفرادی، می‌تواند به شما احساس کاذب («مجنون شدگی») را منتقل کند؛ بنابراین با روش‌های ارتباطی که در ادامه ذکر می‌شود، با این احساس مقابله کنید.

یکی از راه‌های ارتباطی با دیگران، درخواست مدام برای دستیابی به حقوق قانونی است. حقوقی که در صورت رسیدن به آن، شرایط بهتری خواهید داشت؛ بنابراین بی‌وقفه حقوق خود را مطالبه و بر روی آن پافشاری کنید. حتی اگر به این حقوق دست پیدا نکنید، ارتباط با دیگران برای غلبه بر تنهایی، برای شما مفید است. برای غلبه بر تنهایی، با دیگران ارتباط برقرار کنید.

نماینده دادستان یا افسر نگهبان هرچند وقت یک‌بار به شما سر خواهند زد. شما می‌توانید شکایات و اعتراضات خود نسبت به نحوه بازداشت، بازجویی، رفتار نگهبانان، نحوه دادرسی، بلا تکلیفی و محدودیت‌های اعمال‌شده را به اطلاع آنها برسانید. فراموش نکنید، علیرغم ناعادلانه بودن کل روند بازجویی؛ آیین‌نامه‌هایی برای زندانبانان و بازجویان وجود دارد که ملزم به رعایت آن هستند.

به محض ورود به انفرادی حقوق خود را مطالبه کنید

حق ملاقات با اعضای خانواده و وکیل یا تماس تلفنی با آنها، حق استفاده از هواخوری، گرفتن روزنامه، خرید، استفاده از کتابخانه موجود در بندهای انفرادی، گرفتن نهج البلاغه و قرآن، داشتن تلویزیون و یخچال (در برخی از بندها) و انتقال شما به سلول‌های چندنفره از جمله حقوقی هستند که در صورت ناآگاهی، ممکن است به صورت عمدی و برای فشار بیشتر، هرگز به شما تعلق نگیرد.

نگهبان می‌تواند به شما پاسخ دهد که آیا این حقوق در حال حاضر ممنوع است یا خیر؟ معمولاً بعد از مدتی کل این حقوق یا قسمتی از آن به شما تعلق می‌گیرد. با زندانبان‌ها ارتباط برقرار کنید؛ معمولاً وظیفه آنها از بازجو جداست. می‌توانید با آنها درباره مسائل روزمره اختلاط کنید. از اوضاع آب‌وهوا، از وضعیت شغلی‌شان، غذا و چیزهای دیگر با آنها صحبت کنید. اگرچه ممکن است جواب شما را ندهند اما مهارت شما، می‌تواند آنها را به حرف درآورد.

فراموش نکنید، اگر شما مدتی در انفرادی هستید آنها سال‌ها مجبورند در این مکان خسته‌کننده کار کنند، بنابراین ممکن است بیش از شما به یک گپ یا ارتباط نیاز داشته باشند.

آنها برای دادن غذا، بازدید، بردن به دستشویی، حمام و یا نزد بازجو به شما سر خواهند زد.

معمولاً بعد از پایان دوران بازجویی، امکان آزادی موقت شما تا برگزاری دادگاه و صدور حکم وجود دارد.

به محض پایان کار بازجو، این حق را از بازجو، زندانبان یا فرستاده‌های قضایی طلب کنید.

برخی زندانبان در سلول انفرادی با پیچ کردن با سلول‌های کناری خود ارتباط برقرار می‌کنند. این کار بسیار مفید است اگر امکان‌ش هست از آن دریغ نکنید.

گاهی با کوبیدن به دیوار سلول کناری، با سرفه‌های هم‌زمان یا درآوردن صداهایی مشابه، توسط چند زندانی اوقات خوشی به وجود می‌آید که همراه شدن با آن خالی از لطف نیست.

یک نکته:

اگر هدف عمده بازجویی کسب اطلاعات باشد، گسیختگی و آشفتگی ذهنی شما می‌تواند از نظر بازجو، نشانه دریافت اطلاعات مخدوش و مبهم باشد. در نتیجه، آنها برای جلوگیری از آشفتگی ذهنی شما، مجبورند به تقاضاهایتان جواب مثبت دهند. برخی افراد با تمارض به این حالت از بازجویان امتیاز می‌گیرند؛ اما اگر هدف بازجویی تغییر در سیستم ارزشی شما باشد، گسیختگی ذهنی شما نشانه خوبی برای ورود آنها به مراحل بعدی است و احتمال موافقت با خواسته‌های شما کمتر است.

نقش خانواده‌ها در دوران بازداشت و پس از آن

راه‌حلی برای کمک به زندانی نیست! باید صبورانه دوران حبس را تحمل کرد! این بدترین تصویری است که خانواده یک زندانی می‌تواند، داشته باشد.

نهادهای امنیتی و قضایی می‌کوشند تا به خانواده بقبولانند که جرم متهم بسیار بزرگ و غیرقابل چشم‌پوشی است. هدف آنها این است که خانواده را از پیگیری وضعیت متهم منصرف کرده تا مطابق میل خود، فرد دستگیرشده را تنبیه کنند یا تحت فشار قرار دهند.

باید دانست انگیزه یک فعال سیاسی یا مدنی، پیگیری نفع جامعه است و فعال سیاسی مجرم نیست. وانگهی، قوانین ممکن است به‌گونه‌ای باشد که موجبات سوءاستفاده هیئت حاکمه را فراهم کند.

خانواده چه کارهایی می‌تواند برای کمک به زندانی انجام دهد؟

۱. فشار به دادگاه برای احقاق حقوق زندانی مانند گرفتن وکیل، پیگیری آزادی، حق استفاده از مرخصی، تماس تلفنی با خانواده و صدور سریع‌تر حکم
۲. پیگیری آزادی موقت زندانی پس از پایان دوران بازجویی تا صدور حکم
۳. تأکید و اصرار بر بی‌گناهی متهم و تلاش برای اثبات آن
۴. در صورت نیاز، اطلاع‌رسانی به‌وسیله رسانه‌ها درباره وضعیت زندانی
۵. نهراسیدن از تهدید بازجویان یا مقامات مسئول که خواهان عدم پیگیری و سکوت در مورد وضعیت زندانی هستند.

نقش خانواده و اطرافیان بعد از پایان دوران انفرادی

پس از دوران رهایی از انفرادی، زندانی از لحاظ روحی و روانی بشدت آسیب‌پذیر است. چراکه فرد نگران قضاوت‌های دیگران بوده و ممکن است بیهوده از احساس شرم، میل به انزوا و سکوت رنج ببرد.

در این برهه، برخوردهای سرزنشی یا طرد‌آمیز می‌تواند شخصیت فرد را به ورطه نابودی و فروپاشی بکشانند.

فراموش نکنید حتی فردی که به‌ظاهر این دوران را موفق پشت سر گذاشته، ممکن است آسیب‌های روحی و روانی ناملموسی دیده باشد که برای فائق آمدن به آن، نیازمند دریافت مشاوره از روانشناسان است.

ب) آشنایی با ترندهای بازجویی

افرادی که یک بار بازجویی شده‌اند، معمولاً به دلیل این که تجربه و اطلاعات بیشتری دارند، در بازجویی‌های بعدی موفق‌تر عمل می‌کنند. در این بخش می‌کوشیم قسمتی از این تجربه‌ها و اطلاعات را به شما منتقل کنیم. (با این حال نباید تصور کنید اطلاعات و آگاهی‌های شما در مورد بازجویی در محدوده‌ی این نوشته کافی و کامل است).

بازجویی چیست؟

بازجویی دوره‌ای از زندگی است که در آن، فرد به لحاظ روانی، داشتن شهامت، هوش و عقلانیت بارها مورد محک قرار گرفته و فرصتی برای خودسازی و قوی شدن به دست می‌آورد.

بعد از دوران بازجویی و زندان، فرد بهتر است به منظور کاهش اثرات روحی و روانی ناشی از آن، با برخورد منطقی، عقلانی و بهره‌گیری از مشاوره‌های روانکاوی و روانشناسی این دوران را به یک تجربه‌ی مثبت در زندگی تبدیل نماید. از این رو هر کنشگر سیاسی و مدنی باید با ذهنیت مثبت، آماده رویارویی و پشت سر گذاشتن چنین دورانی باشد و با شجاعت؛ ترس و ناتوانی را از خود دور نماید. (فراموش نکنید که دوران بازجویی پایان‌پذیر است.)

خطر بازداشت، قسمتی از زندگی روزمره یک فعال سیاسی است که تحت حکمرانی یک سیستم دیکتاتوری یا اقتدارگرا نفس می‌کشد و زندگی می‌کند. در ایران و در شرایط زمانی حاضر، «فعلاً» یدک کشیدن نام فعال سیاسی موجب بازداشت کسی نمی‌شود. برخلاف گذشته که حمل یک برگه اعلامیه یا ردوبدل شدن یک کتاب یا جزوه بین یک شاگرد دبیرستانی و یک معلم سیاسی دلیلی برای مرگ محسوب می‌شد، اکنون از گستردگی این سبک برخورد در جمهوری اسلامی کاسته شده است. معماران امنیتی نظام جمهوری اسلامی اکنون بیشتر با منافع خود به سیستم پیوند دارند تا ایدئولوژی خود. به دلایل مختلفی که شرح و بسط آن خود نیاز به ارائه مقالات جدی و تحلیل‌های مبسوط دارد سیستم امنیتی جمهوری اسلامی بعد از روی کار آمدن تیم‌های به اصطلاح باسواد (برآمده یا گماشته شده از سوی اصلاح‌طلبان) بسیار پخته‌تر از قبل شده و از رویکرد صرف به «سلاخی یا حذف سریع مخالفان» برنامه‌هایی مانند «روش‌های نرم و فرهنگی» برای تأثیرگذاری میان‌مدت و کسب دستاوردهای بلندمدت در دستور کار قرار گرفته است.

سیاست «جاروکش کردن فعالان سیاسی در خارج از کشور»، «گسترش ارزش‌های مصرفی در بین جوانان» و مواردی از این دست که موضوع بررسی این نوشته نیست، از جمله برنامه‌های اضافه‌شده به روال کاری سیستم امنیتی ایران بعد از دوران اصلاحات است. سیاست‌هایی که فعالان سیاسی بسیاری را در دوگانگی «هزینه / فایده» زمین‌گیر کرده و با کاهش تعداد فعالان سیاسی در داخل کشور، هم بر شدت و دقت نظارت امنیتی بر آنان افزوده و هم نیروی فعالان سیاسی از کشور خارج‌شده را هرز داده و افق‌های سیاسی آنها را متلاشی کرده است.

سال‌هاست رویکردی که سیستم امنیتی ایران در برخورد با نیروهای سیاسی در اولویت قرار داده نه استخراج اطلاعات فردی و گروهی یا تعیین و ارزیابی افکار و تلاش برای تغییر آنها که تلاش برای «به لجن کشیدن» شخصیت فعالان سیاسی با سوژه‌های جنسی و مالی است. آنها توانسته‌اند از طریق دخالت و جاسوسی در زندگی خصوصی فعالان سیاسی، از طریق شنود خطوط تلفن و اینترنت، تعقیب فیزیکی، استفاده از تک‌نویسی دیگر زندانیان سیاسی و گزارش مخبران و غیره، از مسائل خصوصی، ارتباطات عاطفی، مسائل جنسی و مالی بازداشت‌شدگان به عنوان حربه‌ای برای همکاری، ساکت نگه‌داشتن و یا دلیلی برای راضی شدن فرد به ترک کشور استفاده کنند.

نسل جوان و افراد بی‌تجربه در مقابله با شرایط بازداشت و بازجویی اگر قصد ماندن در ایران و ادامه فعالیت سیاسی را دارند باید با «علم بازجویی» و «شرایط زندان» آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند زندگی شخصی و اسرار سیاسی خود را در مقابل فشار و هجوم غیرانسانی سیستم امنیتی جمهوری اسلامی حفظ کنند.

تعریف بازجویی

در کتاب‌های آموزشی بازجویان، بازجویی این‌گونه تعریف شده است: «بازجویی هنر به دست آوردن حداکثر اطلاعات از یک شخص تعریف می‌گردد. هرکس می‌تواند سوآلاتی را از فرد بازداشت‌شده یا سوژه‌ای که باید مورد تحقیق قرار بگیرد بپرسد، اما زمانی این کار به صورت یک هنر درمی‌آید که سوآلات آن طوری که باید عنوان گردد و از همه روش‌های فیزیکی و روانی استفاده شود تا سوآل مناسب در لحظه مناسب پرسیده شود.»

در این جزوات آموزشی تأکید شده است که منظور از «به دست آوردن»، «بیرون کشیدن» است. (اغلب سوژه متوجه میزان اطلاعاتی نیست که در اختیار دارد، ولی با بازجویی ماهرانه می‌توان این اطلاعات را از او بیرون کشید.)

مهم‌ترین روزهای بازجویی

«حداکثر اطلاعات ممکن در جلسات اول بازجویی باید کسب شود». این راهنمای درسی بازجویان در برخورد با فرد بازداشت‌شده است. روزهای اول بازداشت مهم هستند. برای فردی که سابقه بازداشت ندارد همه چیز ترسناک و هول‌انگیز است. زندانی به دلیل اخلاص در مسائلی که به دلیل مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی، حضور فرد را «لازم» و «ضروری» می‌نمایاند نیز تحت فشار قرار دارد. نقش زندانی به عنوان پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزند، شاغل، صاحب‌کار و از آن مهم‌تر نقش او به عنوان جزئی از یک سیستم یا جمع سیاسی در روزهای ابتدایی بازداشت نقش ویرانگری روی سوژه دارد.

هدف بازجو و تیم بازجویی وارد کردن حداکثر شوک ممکن به سوژه برای کنار زدن «لایه‌های خودآگاه ذهن» و استخراج اطلاعات از «ناخودآگاه» یا جانشینی یک آگاهی (دست‌ساز) و «موقت» در سوژه است. انسان موجودی است که قدرت آن را دارد که خود را با سخت‌ترین فشارها و دشوارترین شرایط وفق دهد. انسان برای چنین کاری نیاز به «زمان» برای هماهنگ کردن خود با شرایط جدید دارد. پس بازجو باید قبل از آنکه سوژه موفق به جمع‌وجور کردن خود و خارج شدن از شوک ناشی از شرایط و روابط جدید (به روایتی جهان جدید خود) شود، بیشترین اطلاعات را از او بیرون بکشد تا حتی بعد از بازگشت کنترل سوژه روی خود، امکان پیگیری سرنخ‌ها و ردگیری مباحث مطرح‌شده در جلسات اول بازجویی برای رسیدن به جزئیات و اطلاعات مطرح‌شده و پنهان مانده وجود داشته باشد.

چرا در شرایط غیر اضطراری از خشونت شدید استفاده نمی‌شود؟

به بازجوها توصیه می‌شود که در شرایطی که «محدودیت زمانی» و «الزامی حیاتی» برای تخلیه فوری اطلاعات از سوژه وجود ندارد در مراحل اولیه بازجویی از اعمال خشونت جدی علیه سوژه خودداری کنند.

دلایل این امر این‌گونه توضیح داده می‌شود: «بازجویی یک نوع نبرد خوش و قدرت ادراک است. کسب اطلاعات بدون استفاده از شکنجه مستلزم داشتن هوش و ذکاوت است و شخصی باهوش و قدرت تسلط ذهنی بالا کمیاب است؛ بنابراین استفاده از خشونت در مراحل اولیه بازجویی القاکننده ضعف سیستم امنیتی است و «نیاز» سیستم به اطلاعات سوژه است. ذهن و فکر تحقیق‌کننده با ذهن و فکر سوژه در نبرد است. به محض توسل به خشونت برای کسب اطلاعات، تحقیق‌کننده (بازجو) خود برتری شخصی که از او تحقیق می‌کند را پذیرفته است.»

از نظر زمان، پرسنل و نتایج حاصله روش تحت فشار قرار دادن کم صرفه‌ترین روش برای کسب اطلاعات از سوژه به نظر می‌رسد. یک شخص نیرومند و مصمم (چه از حیث جسمی و چه روحی) اگر تصور کند در اثر عدم افشای اطلاعات جاننش را از دست نخواهد داد، می‌تواند سخت‌ترین شکنجه‌های قابل‌تصور را تحمل کند. در صورتی که از روش تحت فشار قرار دادن استفاده شود ممکن است سه حالت پیش بیاید:

۱- ممکن است هرچه بازجو بخواهد شخص مورد بازجویی بگوید در حالی که حقیقت نباشد.

۲- چنانچه شکنجه زیاد باشد ممکن است سوژه تعادل فکری خود را از دست بدهد و اطلاعات غیرواقعی در اختیار بگذارد.

۳- ممکن است سوژه دچار نقص عضو شود یا فوت کند و اطلاعاتی که دارد از بین برود.

در صورت به کار بردن شکنجه‌های شدید با موارد قابل اثبات یا مرگ زندانی، تبعات داخلی و بین‌المللی زیادی برای سیستم امنیتی و حکومت کشور به وجود خواهد آمد؛ زیرا همیشه ممکن است مردم از آن مطلع شوند و به دلیل رشد شگرف سیستم‌های ارتباطی و راه‌های ارتباطی، اخبار و اطلاعات به سرعت بازتاب جهانی پیدا کنند.

قدرتمندترین ابزار بازجو

قوی‌ترین و مؤثرترین ابزار بازجویی که در دست بازجوست «استفاده از خود متهم برای فشار آوردن به خویش» و «تسلط بازجو بر سوابق، اطلاعات شخصی، اطلاعات امنیتی و مندرجان پرونده است.»

اطلاعات قطعی بازجو درباره سوژه، عامل سنجش راستی گفته‌های فرد بازداشت‌شده و محک اطلاعات اخذشده است. همچنین بازجوها از اطلاعات غیر موثق، اسم‌ها و یادآوری گذرای مسائل به صورت «قطره‌چکانی» به‌عنوان تلنگر استفاده می‌کنند. این نوع مسائل که در بین بازجوها به «زدن کدهای ریز» معروف است، عامل «گسترش موضوعات بازجویی»، «ترس متهم از حجم دانسته‌های بازجو»، «تحریک سوژه به حرف زدن»، «به هم ریختن استراتژی سوژه در پیشبرد

بازجویی)) و دست بالا گرفتن بازجو نسبت به فرد بازداشت شده است.

خدایگان و بنده

((بازجویی)) امری متفاوت از ((مجازات)) است. هدف از دستگیری فرد در دنیای پیشامدرن مجازات اوست. انسان در آن دوره تنها جسم است و باید جسم را آزرده، زخم زد و کشت. بدن باید تاوان گناه را بپردازد.

انسان چیزی به جز تن نیست؛ اما در دنیای مدرن جسم انسان فرمانروایی دارد به نام ((روان)) که او باید تاوان گناه (اراده) را بپردازد. جسمی که مرتکب گناه شده است را تنها می‌توان زخم زد و کشت، اما روانی را که اراده کرده است تا جسم دست به گناه بزند باید وارد فرآیند تغییر- تولید- حذف کرد. دستی را که مرتکب دزدی شده است باید قطع کرد، اما روانی را که ارزشی زاینده یا زاده قدرت را زیر سؤال برده است- به فرض الهی بودن حکومت - باید ((تغییر)) داد، از او روانی دیگر ساخت و اگر تغییر و ((تولید)) ممکن نباشد باید آن روان را از طریق ((نابود کردن)) اندیشه و سبک اندیشیدنش حذف کرد. دیگر با کشتن جسم نمی‌توان اندیشه‌ای را کشت، پس باید جسم را زنده نگاه داشت تا اندیشه را در او کشت و ارزش یا ارزش‌های زیر سؤال رفته یا تخریب شده را مجدداً در آن جسم بازتولید کرد.

بازجو می‌خواهد سوژه را برده خود کند. بازجو هیچ نیست، او از شکستن قربانی خود لذت می‌برد و به این لذت نیاز دارد، چراکه با این لذت تعریف می‌شود و هویت می‌یابد. بازجو با برده کردن سوژه احساس اربابی می‌کند. ارباب به برده نیاز دارد.

بازجو در زندانی زندگی می‌کند

روانکاو بزرگ‌ترین حمله به روح انسان است. حمله به روح انسان یعنی گرفتن ((راز)) از روح و گرفتن راز آمیزی روح یعنی مرگ روح. بازجو به دنبال رازهای زندانی است تا او را از رازهایش تهی کند.

انسان بدون راز تبدیل به حیوان می‌شود. زندانی برای حفظ رازهایش با بازجو می‌جنگد تا زنده بماند. تا از سقوط به حیوانیت جلوگیری کند. از سوی دیگر رازها با زندانی می‌جنگند. رازها خود را به ناخالصی می‌آریند تا با تحویل کمیت به بازجو از کیفیتی با کمیت کمتر دفاع کنند. انسان بدون راز، یک ((تن)) خالی است. یک جسم تهی. روح یعنی راز و بازجو برای کشتن روان به رازها حمله می‌کند. روح بدون راز تبدیل به ابژه می‌شود. انسان بدون راز به عنوان برده در مناسبت خدایگان و بنده قرار می‌گیرد.

تغییر و تولید

برای آنکه مفهومی را بشناسیم باید جهان آن مفهوم را بشناسیم. بازجویی را نمی‌توان در هر محیطی انجام داد. برای بازجویی باید آزادی زندانی را گرفت. او را از جهان خود

جدا کرد و دیوارهای سلول انفرادی را تبدیل به مرزهای جهان جدید زندانی کرد. مشخصات بازجو، محل زندان، نوع برخورد و «سرنوشت» سوژه باید مخفی و به صورت راز باشد. باید مشخصات و روابط دنیای جدید برای زندانی مجهول باشد. برای آنکه رازهای زندانی را بیرون کشید باید او را در برابر رازهای پرتشویشی قرار داد. هم‌زمان باید به روان زندانی حمله کرد. برای این کار از روش‌های زیر استفاده می‌شود:

در خطر قرار دادن «داشته» ها و «نداشته» های زندانی

زندانی در انفرادی به ناظر و قاضی بین دو جهان، دو هستی، دو نوع هستندگی، دو سرنوشت و... تبدیل می‌شود. عقل به روان حمله می‌کند و اراده و خواست او را زیر سؤال می‌برد: «من عامل گریه‌های همسر هستم. من دلیل بی‌قراری فرزندم هستم. من عامل سگته مادرم هستم. من عامل اخراج برادرم از کار هستم. من زندانی شدن را اختیار کرده‌ام. جسم من به دلیل کارهای من شکنجه می‌شود. من عامل مرگ خودم هستم. من...» و به این ترتیب فروپاشی روان آغاز می‌شود. بازجو و محیط بازجویی با حذف نقش زندانی در رابطه او با افراد و داشته‌هایش، زندانی را به عنوان عامل در خطر قرار گرفتن یا عامل نابودی داشته‌هایش به او معرفی می‌کنند.

بازجو هم‌زمان با داشته‌ها به نداشته‌های زندانی حمله می‌کند. آنچه را که زندانی به دلیل نوع زندگی و افکار و کرده‌هایش از دست داده است به او یادآوری می‌کنند و زندانی را به عنوان خائن به منافع خود در برابر خودش قرار می‌دهد. موازندی از قبیل اخراج از کار، ضایع شدن حق تحصیل، از دست رفتن زمان لازم برای تحقق آرزوها و خواسته‌ها (همچون علایق هنری، ورزشی و تفریحی و غیره) از این دست هستند.

تلاش برای از بین بردن گذشته و خاطرات و تعلقات

گذشته زندانی از مهم‌ترین قسمت‌های رازهای اوست. این گذشته باید نابود شود یا ارتباط زندانی با این گذشته قطع شود تا روان گذشته بازتولید نشود و یا در صورت بازتولید دچار تغییرات کیفی شود.

آلبوم‌های عکس، آرشیوهای کتاب و موسیقی و غیره، دفترچه‌های تلفن، دفترهای خاطرات، یادداشتهای شخصی، فیلم‌های خصوصی و چیزهایی از این دست، در تفتیش محل زندگی زندانی به حکم مراجع قضایی توقیف می‌شوند و در اختیار بازجو قرار می‌گیرند. بازجو وارد گذشته و زندگی زندانی می‌شود و شروع به استخراج رازهای زندانی می‌کند. پس از پایان بازجویی نیز بنا به وضعیت پرونده از بازگرداندن همه یا قسمتی از موارد توقیفی به زندانی خودداری می‌شود.

بازجو در تلاش برای بنده کردن زندانی است نه کشتن او. بازجو گاهی حتی نیازی به اطلاعات زندانی ندارد. زندانی باید زنده بماند تا با تغییر اندیشه‌هایش در زندگی

جدید، اندیشه‌های گذشته‌اش بمیرد. با مرگ زندانی، اندیشه‌ها، روش اندیشیدن و نوع زندگی او زنده خواهد ماند؛ بنابراین در مقابل «یادآوری مرگ» از حربه تطمیع نیز استفاده می‌کند.

زندانی بعد آزادی احساس می‌کند که باید شخصیت و زندگی سابق خود را ترمیم کند و به هویت سابق خود خوراک بدهد. او می‌خواهد به سراغ گذشته (رازهای) خود برود تا سنج‌های برای قرار دادن خود در دنیای قبلی (قبل از دستگیری) بیابد، اما سنج‌ها و کلید صندوق خاطرات و رازهای او توسط بازجو و همکارانش غارت و توقیف شده است.

بروز قدرت

بازجو، بازجویی و محیط بازجویی عرصه‌های بروز قدرت سیستم حاکم هستند. این بروز قدرت حامل یک معناست: «ما در همه حال ناظر بر شمایم».

زندانی در بازجویی با از دست دادن تمام یا بخشی از رازهای خود در معرض این واقعیت قرار می‌گیرد که «دیگر خود» ی با او زندگی می‌کند، رازهای او را می‌داند، به دنبال رازهای آینده او خواهد بود، هیچ مرزی برای ورود به زندگی خصوصی و اجتماعی او ندارد و قدرت تغییر روان او و تولید روانی دیگر بر روی ویرانه‌های روان قبلی او را دارد.

زندانی بعد آزادی تلاش برای دگر جلوه دادن خود را آغاز می‌کند تا امنیت خود را حفظ کند. باگذشت زمان این خود جعلی، این نقاب و ماسک، روی خود واقعی اثر می‌گذارد و در نهایت به خود واقعی زندانی آزادشده تبدیل می‌شود. دگردیسی و سپس حیات یک روان جدید.

تنبیه جسم برای تحت فشار قرار دادن روان

در طول بازجویی ممکن است جسم زندانی مورد تنبیه قرار بگیرد، اما این شکنجه جسم به‌عنوان ابزاری برای شکنجه روان به‌کاربرده می‌شود.

روان به‌عنوان فرمانده جسم باید تاوان وجدانی شکنجه جسم که در اثر فرمان او دست به عملی زده است را بپردازد. شکنجه‌های بدنی مطابق دستورالعمل کتاب‌های بازجویی مدرن «باید در مراحل نخست عامل ایجاد تحقیر روان زندانی باشد». در صورتی که در این مرحله روان زندانی همچنان مقاومت کند درجه تنبیهات بدنی افزایش می‌یابد تا آنکه به منتهی درجه خود می‌رسد و یادآور مرگ به زندانی می‌شود.

تطمیع

برای حذف (اعدام، کشتن و...) زندانی، نیازی به بازجویی نیست. بازجویی نیاز سیستم و بازجو به زنده ماندن زندانی دارد. زندانی تا جایی که رازی (اطلاعاتی) دارد باید زنده

بماند چراکه «با مرگ سوژه اطلاعات او نیز از بین می‌رود». بازجو در تلاش برای بنده کردن زندانی است نه کشتن او. بازجو گاهی حتی نیازی به اطلاعات زندانی ندارد. زندانی باید زنده بماند تا با تغییر اندیشه‌هایش در زندگی جدید، اندیشه‌های گذشته‌اش بمیرد. با مرگ زندانی اندیشه‌ها، روش اندیشیدن و نوع زندگی او زنده خواهد ماند؛ بنابراین در مقابل «یادآوری مرگ» از حربه تطمیع نیز استفاده می‌کند. زندانی را تطمیع می‌کنند تا به او امید بدهند. امید دلیلی برای زنده بودن است. امید دلیل و راهی پیش پای زندانی برای تن ندادن به سختی، تبعات مقاومت و مرگ است.

آشنایی با برخی از ترندهای بازجویی

۱. بازجوی خوب، بازجوی بد: در این روش، یک بازجو به شما تشریح می‌زند و بازجوی دیگر نقش کسی را بازی می‌کند که می‌خواهد زندانی را از دست بازجوی بد نجات دهد. با این هدف که متهم تمایل یابد با کسی که گمان می‌کند حامی اوست، حرف بزند.

درواقع بازجوی خوب سعی می‌کند با ایجاد یک رابطه‌ی دوستانه و حتی استفاده از یک مکالمه‌ی غیر جدی، اعتماد زندانی را جلب کرده تا تشویق به حرف زدن شود. بازجوی بد همین کار را با ترساندن انجام می‌دهد.

۲. همسان‌انگاری: اگر زندانی حس کند، انسانی شبیه خودش روبرویش نشسته و او را کاملاً درک می‌کند، میل به بازگو کردن اطلاعات در او افزایش می‌یابد. درواقع بازجو با همسان‌انگاری، میل زندانی را به گفتگوی صمیمانه افزایش می‌دهد، اما زمانی که زندانی شروع به صحبت می‌کند، فضای بحث کم‌کم عوض می‌شود و طولی نخواهد کشید که صحبت‌ها به سمت اتهامات و جرائم پیش خواهد رفت.

فراموش نکنید: فردی که روبروی شماست بازجو است نه فردی از جنس شما
۳. طرح اتهامات موهوم: در این روش، بازجو از زندانی می‌خواهد در مورد جزئیات یک اتهام موهوم مثل قتل یا بمب‌گذاری توضیح دهد.

با این هدف که زندانی با تمرکز بر تبرئه خود از این اتهام، ناخواسته جزئیات مورد نظر بازجو را گفته یا تصور کند که بهتر است راستش را بگوید تا لاقلاً از اتهام بی‌اساس تبرئه شود.

۴. هویت‌سازی: در فن هویت‌سازی بازجو تلاش می‌کند از زندانی شخصیتی کثیف و پست فطرت بسازد و نشان دهد، او همان فردی نیست که ابراز می‌کند. در این روش که باهدف کاستن از تمرکز و اعتماد به نفس متهم صورت می‌گیرد تلاش می‌شود زندانی علاوه بر فرار از اتهام و دفاع از خویش، وظیفه‌ی اثبات شخصیت اصلی خود را نیز بر عهده بگیرد.

۵. کدستی‌زدن: زندانی ممکن است عملی را انجام داده، درحالی‌که هیچ رد یا اثری از آن باقی نمانده باشد؛ اما بازجو برای عصبی کردن زندانی، ادعا می‌کند یک رد کاملاً

شفاف و مشخص وجود دارد. طبیعتاً در این هنگام باید هنر انکار کردن و تسلط به خویش را داشته باشید.

۶. زیرپاکشی: درحالی که زندانی از اتهام واقعی خبری ندارد، بازجو با طرح اتهامی کاذب و سؤالات غیرمستقیم، درباره‌ی موضوع اطلاعات کسب می‌کند و پس از رسیدن به هدف موردنظر مستقیماً به موضوع اتهام می‌پردازد.

یک مثال: فردی سیاسی به اتهام موهوم سرقت از طلافروشی دستگیر می‌شود. وی برای تبرئه خود از این اتهام، به دیدارش در همان روز با یک فعال سیاسی اشاره می‌کند و برای تبرئه خود جزییات موردنظر بازجو را بیان می‌کند، بدون اینکه بداند هدف بازجو دیدارش با آن فعال سیاسی است.

۷. القای حس نیاز در زندانی: القای مدام حس نیاز، نسبت به کمبودها و محرومیت‌های موجود به منظور برهم زدن تعادل روحی زندانی و پایین آوردن تمرکز او یک مثال: درحالی که زندانی از دختر ۱۵ ساله‌اش بی‌خبر است، بازجو به صورت مستقیم یا غیرمستقیم چنین القا می‌کند که او نیز به اتهامی مشابه دستگیر شده است تا در زندانی احساس نیاز به کسب اطلاعات بیشتر در مورد دخترش و کمک به او را به وجود آورند.

۸. استفاده‌ی بازجو از دو انگیزه‌ی متضاد: یکی از ترفندهای بازجو برای اعتراف‌گیری، قرار دادن دو انگیزه‌ی متضاد، یکی اخلاقی و دیگری غیراخلاقی پیش روی زندانی است تا وی تصور کند که بازجویان نه به عملش بلکه به نیتش توجه می‌کنند.

یک مثال: بازجو به متهم: اکثراً با عضویت در گروه ایکس هدفشان ضربه زدن به انقلاب است، اما ما می‌دانیم که تو با عضویت در این گروه چنین قصدی نداشتی و صرفاً می‌خواستی قسمتی از مشکلات جامعه را حل کنی.

متهم با پذیرفتن عضویتش در گروه ایکس با نیت حل مشکلات جامعه، درواقع می‌پذیرد که عضو گروه ایکس است و همین برای بازجو و محکومیتش کافی است.

۹. مشغله زایی برای پایین آوردن تمرکز: گاهی بازجو شماره تلفن، اسامی و آدرس‌هایی که وجود ندارند را به شما می‌دهد یا این‌که از شما می‌خواهد به رویدادهای موهومی که هرگز اتفاق نیفتاده، فکر کنید. به این امید که برای ذهنتان مشغولیتی کاذب بیافریند تا تمرکزتان پایین آمده و به چیزهایی که برای شما مفید نیست، فکر کنید.

۱۰. تحریک زندانی به حرف زدن یا اقرار: با یادآوری گذشته پرافتخار، حسن شهرت و صفات نیک او

۱۱. برانگیختن حس دشمنی شما نسبت به هم اتهامی‌ها: یکی از شگردهای بازجویان، این است که با شناخت قضاوت شما نسبت به دیگر دوستانتان، شما را علیه یکی از آنها که مناسب‌تر است، تحریک کنند و با دادن کدهایی از صحبت‌های او، وانمود کنند که وی در حال همکاری کامل با آنهاست و سعی می‌کند همه‌ی موارد را به گردن شما بیندازد. با این ترفند آنها توقع دارند شما، دانسته‌های خود را علیه

دوستتان و در دفاع از خود بازگو کنید.

بنابراین بکوشید تا قضاوت خود علیه دوستانتان از دید بازجویان مخفی بماند و اجازه ندهید چنین تلقین‌هایی بر شما تأثیر بگذارد.

۱۲. استفاده از اصل غافلگیری: معمولاً اولین جمله‌هایی که بازجو در اوایل یک بازجویی بیان می‌کند، سرخ‌هایی است که در نظر آنها بزرگ جلوه می‌کند و چنین نشان می‌دهد که شما کاملاً تحت کنترل بوده‌اید و آنها در مورد شما همه چیز را می‌دانند.

آنها تصور می‌کنند با این اطلاعات شما را غافلگیر کرده و می‌شکنند. البته مطمئن باشید این اطلاعات برای آنها ناخوانا و غیرقابل فهم است. اگر صبور باشید و حتی با ارائه‌ی مدارک قلابی غافلگیر نشوید، ترس و استرستان را کنترل کنید، بازجو موارد بیشتری را رو می‌کند و شما به بخش بیشتری از اطلاعات بازجو دست خواهید یافت. ذکر یک نکته: تخلیه‌ی اطلاعات، بازداشتن شما از عملی در حال یا آینده و تنبیه شما به هدف عبرت گرفتن دیگران معمولاً سه هدف بازجویی هستند. وقتی هدف تخلیه اطلاعات از شما در اولویت باشد معمولاً اولین جملات بازجو، دوستانه است و به اتهام ربطی ندارد، در موارد دیگر بازجویی با سرخ‌های غافلگیرکننده آغاز خواهد شد. ۱۳. دادن وعده تخفیف در ازای همکاری: یکی از روش‌های فریب زندانی، دادن وعده آزادی یا تخفیف در محکومیت، در صورت اعتراف و همکاری است؛ اما در صورت اعتراف و همکاری، مطمئن باشید بازجو به خواسته‌ها و توافقات اولیه بسنده نخواهد کرد. او از ضعف‌های شما استفاده خواهد کرد و خواسته‌های خود را یکی پس از دیگری افزایش می‌دهد.

درخواست انجام اعمالی مخرب علیه دوستان و همفکرانتان مانند جاسوسی و نوشتن نامه‌های تخریبی یا شهادت‌های دروغ، مصاحبه‌ی تلوویزیونی، مزاحمت‌های بی‌شمار بعد از آزادی، له کردن شخصیت و استفاده از اعترافات برای محکومیت شما به حبس‌های طولی‌المدت.

۱۴. تجزیه و تحلیل واکنش‌های فیزیکی متهم: یکی از روش‌های بازجو تجزیه و تحلیل واکنش‌های فیزیکی شماست.

به‌عنوان مثال واکنش‌هایی مانند گرفتن سر با دست، قرار دادن آرنج‌ها روی زانو و شانه‌های فوزکرده نشانه‌ی تسلیم و استیصال است.

واکنش‌هایی مانند خیس کردن دور لب، صدای ضعیف و مردد، دستپاچی و سردرگمی، بریده‌بریده حرف زدن، نگاه ترس‌آلود یا دزدکی، حرکت‌های غیرعادی پا، دست و صورت، رسیدن متهم به سرووضع خود و خاراندن سر نشانه ترس و مخفی‌کاری است.

بازجو با پرسیدن سؤالات کنترلی، یعنی سؤالاتی که از قبل جواب آنها را می‌داند، می‌کوشد واکنش‌های فیزیکی شما را تجزیه و تحلیل کرده تا با سنجش این واکنش‌ها و واکنش‌های دیگر، بفهمد راست می‌گویید یا دروغ.

یک تجربه: افراد باتجربه و باهوش با نشان دادن واکنش‌های فیزیکی غیرمتعارف و گمراه‌کننده، می‌کوشند بازجو را به سمتی که می‌خواهند، هدایت کنند.

واکنش به اتهام‌های پی‌درپی بازجو

بازجو، یک درمیان سؤالاتی را از شما می‌پرسد. یک سؤال خنثی و یک سؤال مرتبط با موضوع. او این کار را به‌طور متناوب ادامه می‌دهد تا آنجا که احساس کند واکنش‌های فیزیکی شما که نشانگر مخفی‌کاری است در پاسخ به سؤالی بیش‌ازپیش افزایش یافته. در چنین حالتی به سؤالات مرتبط با این موضوع می‌افزاید تا به سرنخ‌هایی دست یابد.

البته ممکن است بازجو به‌جای سؤال، یکی پس از دیگری به شما اتهاماتی را بزند و واکنش‌های شما را زیر نظر بگیرد. این روش بازجو نشان می‌دهد که او اطلاعات زیادی در مورد شما ندارد از این‌رو اتهامات بی‌اساس یا سؤالات پی‌درپی مطرح می‌کند تا سرنخی بیابد.

در این روش به شما فرصت کافی برای پاسخ به سؤالات یا رد اتهامات داده نمی‌شود، بنابراین لازم نیست به سؤالات یا به اتهامات قبلی فکر کنید و ذهن خود را با آن مشغول سازید.

یک تجربه: شما می‌توانید با پافشاری کمتر در انکار یک اتهام غیرواقعی یا با افزایش عمدی واکنش‌های فیزیکی، بازجو را به مسیر دلخواه هدایت کنید. تجربه‌ای دیگر: ممکن است شما با خونسردی و با پریدن وسط حرف بازجو اجازه ندهید او یکی پس از دیگری اتهاماتش را مطرح سازد.

۱۶. آزار و اذیت زندانی با استفاده از نقاط ضعف او: این نقاط ضعف ممکن است برای بازجویان اهمیتی نداشته باشد، اما در ذهن شما چنان بزرگ باشد یا توسط شما در ذهن بازجو چنان بزرگ جلوه داده شود که تبدیل به نقاط ضعف اساسی شما شود. مانند داشتن یک رابطه‌ی عاشقانه‌ی مخفی، داشتن پرینت مقاله‌های مخالفین، دادن رشوه به فردی، حساسیت روی اعضای خانواده، عضویت اعضای خانواده در حزب یا گروه مخالف و شرکت در یک تظاهرات.

بازجو برای فشار بیشتر به شما، از همین روزنه‌ها نفوذ می‌کند تا به شما تسلط یابد.

یک تجربه: حتی درخواست یک سیگار از بازجو می‌تواند تبدیل به نقطه‌ی ضعف شما شود.

با تیزهوشی، شناخت دقیق‌تر از خواست بازجویان و استفاده از تجربیات دیگران از اهمیت مواردی که می‌تواند بی‌دلیل تبدیل به نقاط ضعف شما شوند، آگاه شوید. یک تجربه: گاهی فرد باتجربه، نقاط قوت خود را نقاط ضعف نشان می‌دهد یا نقاط ضعف خود را با مهارت مخفی می‌کند.

یک تجربه: گاهی بازجو در گفتگویی صمیمانه در مورد اعضای خانواده می‌کوشد

میزان حساسیت شما در مورد همسر، فرزند، پدر، مادر و دیگر اعضای خانواده‌تان را بفهمد تا از آن به عنوان نقطه ضعف علیه شما استفاده کند.

دروغ نشانه‌ی مجرمیت نیست!

از نظر روانشناسی، گفتن دروغ مجرمیت را ثابت نمی‌کند، افراد بی‌گناه و بی‌تقصیر هم در شرایط استرس‌زا ممکن است دروغ بگویند تا خطری احتمالی را از خود دور کنند. فراموش نکنید، هیچ‌کس تصویر درستی از اتفاقاتی که در گذشته روی داده، ندارد و ممکن است، همیشه اشتباهاتی پیش بیاید؛ بنابراین اشتباه در گفتار، کتمان و تغییر در پاسخ به سؤالات، امری عادی است و نشانگر رسیدن شما به بن‌بست نیست.

ج) راه‌های مقابله با بازجویی

شکست بازجو و شکنجه‌گر غیرممکن نیست!

افراد بسیاری تا به امروز توانسته‌اند از سد بازجویی و سختی‌های این دوران گذشته و با موفقیت آن را طی کنند، بنابراین این دوره لزوماً با شکست و سرخوردگی همراه نیست.

پیروزی در بازجویی به خصوصیات نظیر شجاعت، جسارت، اعتقاد و ایمان به هدف، ورزیدگی، شناخت روند بازجویی، رعایت مسائل احتیاطی قبل از بازداشت، درایت و تیزهوشی، خلاقیت، صبر و تحمل، آگاهی اولیه به حقوق متهم، نداشتن نقاط ضعفی مانند اعتیاد و حساسیت مفرط به اعضای خانواده بستگی دارد؛ بنابراین باید کوشید تا این ویژگی‌ها را در خود تقویت کرد.

فراموش نکنید: بازجو برای دریافت حقوق یا برای همراهی با قدرت حاکمه فعالیت می‌کند، اما شما برای عقاید و آرمان‌هایتان.

عمده‌ترین چیزی که بازجو به شما تحمیل می‌کند، چیست؟

بازجویی که نتواند برتری خود را در زمینه‌ی سیاسی، اجتماعی، حقوقی، شخصیتی و اشراف اطلاعاتی به شما اثبات کند، شکست خورده است؛ بنابراین او می‌کوشد به شما بفهماند، زندگی شما در دست اوست و به روح و روانتان تسلط دارد. اوست که

می‌تواند شما را آزاد کند، سال‌های سال به زندان بیندازد یا به اعدام محکومتان کند! بهتر است با این میل برتری جویانه او کلنجار نروید. در دل به او بخندید و بگذارید چنین احساس کاذبی را داشته باشد. با این‌همه نه روی دوستی او حساب کنید نه از تهدیدهای توخالی‌اش بهراسید.

فراموش نکنید که او یک کارمند مزدبگیر است، خیلی از این کارمندا به خاطر جرائمی که در حین بازجویی انجام داده‌اند یا به خاطر بی‌عرضگی و سوءاستفاده‌هایی که مرتکب شده‌اند، بیکار، سرخورده و منزوی هستند.

برخی روش‌های بازجو برای بالا بردن ترس و استرس

۱. فریب متهم با پخش صدای آزار و شکنجه‌ی قلبی به همراه صدای آه و ناله از اتاق کناری و برخی اوقات تهدید به اعمال شکنجه مشابه.
 ۲. نشان دادن مدارک قلبی و یا اعترافات ساختگی دوستانتان در مورد شما و اصرار به اینکه به‌جز اعتراف راه دیگری پیش روی شما نیست.
 ۳. استفاده از اتهامات واهی مانند نگهداری اسلحه، مواد مخدر و داشتن روابط نامشروع.
 ۴. تهدید به دستگیری و آزار و اذیت خویشاوندان و یا ورود به مسائل خصوصی و خانوادگی.
 ۵. تنظیم و طراحی اتاق بازجویی به‌گونه‌ای آزاردهنده است که شما را عصبی کرده، احساس بی‌پناهی را در شما تشدید کند تا هیچ‌چیز آشنایی در ذهن شما تداعی نشود و همه‌چیز غریب جلوه کند. چرخیدن بازجو دور شما و بستن چشم‌بند نیز برای تشدید همین وضعیت است.
 ۶. عصبانی کردن زندانی، برهم زدن نظم فکری و ذهنی از طریق پرسیدن سؤالات نامربوط، اشکال‌تراشی و عیب‌جویی مدام.
 ۷. بزرگ جلوه دادن اعمال متهم و غیرقابل چشم‌پوشی نشان دادن آن.
 ۸. هجوم به حریم شخصی، دادن یا ندادن امتیاز، سو استفاده از اعتقادات و علایق شما، تنبیه و تشویق و اعمال سیاست‌های تفرقه‌انگیزانه.
- هدف بازجو از این مجموعه روش‌ها، تضعیف تسلط زندانی بر اراده خویش و عدم مقاومت در برابر خواست بازجویان است.

چگونه می‌توانیم استرس و اضطراب خود را کنترل کنیم؟

هرچه روند بازجویی را بهتر بشناسید و از تجربیات کسانی که قبلاً بازجویی شده‌اند، استفاده کنید، آمادگی بیشتری برای برخورد با تکنیک‌ها و فریب‌های بازجو پیدا خواهید کرد و کمتر دچار ترس و استرس خواهید شد. در صورتی‌که نسبت به حقوق و حقوق خود، روند دادرسی، میزان قدرت و اختیارات بازجو و دستگاه قضایی آگاه‌تر باشید، کمتر غافلگیر شده و در پایین آوردن استرس و ترسستان موفق‌تر خواهید

بود.

فراموش نکنید داشتن استرس طبیعی است اما می‌توان آن را کاهش داد.

توصیه‌هایی عمومی در روند بازجویی

۱. با بازجو دوست نشوید!

ممکن است در طی روندی حساب‌شده و درحالی‌که رابطه‌ی شما هفته‌ها و ماه‌ها در سلول انفرادی با دنیای بیرون قطع است، بازجو خود را به‌عنوان دوست به شما تحمیل کند و شما را راغب به این دوستی نماید. در صورتی‌که بیش از اندازه تحت فشارید، با حفظ فاصله و تعیین حدود، تنها وانمود کنید که دوست او هستید و این دوستی را تنها به‌صورت نمادین حفظ کنید.

فراموش نکنید بازجو یک کارمند است که وظیفه‌اش کسب اطلاعات بیشتر و زمینه‌سازی برای محکومیت شماست. اگر بازجو از طرف مقامات بالا بیش از اندازه تحت فشار باشد و شما نیز بیش از حد ترسیده باشید، ممکن است شما را به اتهاماتی که انجام نداده‌اید، محکوم کند.

یک تجربه: در صورتی‌که بازجو خیلی فشار می‌آورد تا با شما دوست شود، وارد جزئیات زندگی شخصی‌اش شوید، تعداد بچه‌هایش، شغل، تحصیلات و محل زندگی‌اش را بپرسید و ببینید او چطور از شما فاصله می‌گیرد.

۲. ابتکار عملیات روانی را به دست بگیرید!

بازجویی مانند یک دوی مارا تن است. برنده‌ی این رقابت کسی است که ابتکار عملیات روانی را در دست داشته باشد؛ بنابراین برخی اوقات بهتر است به‌جای این‌که بازجو به شما حمله کند، شما به او حمله کنید.

یک مثال: بازجو را با طرح مطالبه و حقوق قانونی خود به چالش بگیرید. برای این کار شما باید از حداقل حقوق خود آگاه باشید، برای دستیابی به آن بکوشید و کوتاه نیایید. برخی اوقات نیز عدم تمکین به موارد غیرقانونی و مشروط کردن ادامه‌ی بازجویی به کسب حقوق قانونی، بازجو را وادار به عقب‌نشینی می‌کند.

اعتصاب غذا، خصوصاً برای زندانیان سرشناس که مرگ آنها هزینه‌ی زیادی را به حکومت تحمیل می‌کند نیز ممکن است گاهی مؤثر باشد.

۳. اتهام را در نطفه خفه کنید!

در روانشناسی قضایی، بزه‌کار، اغلب مبارزی است که منتظر حمله است و بی‌گناه، غابری است که با یک حمله‌ی ناگهانی غافلگیر شده. بی‌گناه کورمال کورمال در خلأ حرکت می‌کند و اغلب دقیقاً نمی‌داند موضوع اتهام چیست، دقیقاً چه اتفاقی افتاده و چگونه باید خطر را از خود دور نماید؛ اما مجرمان به خود مسلط‌اند، قاطعانه در دفاع از خود شتاب کرده و استراتژی دفاعی حساب‌شده‌ای دارند؛ بنابراین در دفاع از خودتان عجلوانه برخورد نکنید یا پیشاپیش به سراغ آن نروید. فراموش نکنید شخص مورد سؤال در صورت بی‌گناهی قاعدتاً از اتهامات منتسب بی‌خبر است.

یک مثال: فردی در پاسخ به سؤال بازجو که می‌پرسد ۲۱ روز پیش کجا بودی، می‌خواهد شرکت در تظاهرات آن روز را انکار کند! او تمام جزئیات وقایع آن روز را با ساعت و دقیقه بیان می‌کند، شاهد می‌آورد، از خاطره‌های آن روز می‌گوید و بسیاری از موارد دیگر. درحالی‌که بازجو هنوز از او نپرسیده، در تظاهرات شرکت داشتی یا نه! بازجو با این پاسخ جهت‌دار که در واقع جواب را در خود حمل می‌کند، می‌فهمد که متهم به احتمال زیاد در تظاهرات آن روز شرکت کرده. چراکه از قبل برای پاسخ به این سؤال آمادگی داشته.

۴. بر دایره‌ی اطلاعات بازجو تسلط داشته باشید!

اطلاعات بازجو مانند دایره‌های یک سیبل هدف‌گیری است که هر محدوده‌ی آن ارزش خاصی دارد، شما نباید اجازه دهید این اطلاعات از آن محدوده خارج و شامل محدوده‌های دیگر شود. در واقع باید دقت کرد به‌طور ناخواسته سرخ‌هایی را در اختیار بازجو قرار ندهید که دریچه‌ی جدیدی از اطلاعات را به روی او باز کند. اگر بنا به هر دلیلی قسمتی از اطلاعات لو رفت نباید خونسردی خود را از دست بدهید، باید بکوشید دایره‌ی اطلاعات بازجو را در همان محدوده یا محدوده‌ی جدید حفظ کنید. فرد بازداشت‌شده باید آمادگی ذهنی برای لو رفتن قسمتی از اطلاعات، یا زندانی شدن یا سایر تنبیه‌هایی که محتمل است را داشته باشد تا غافلگیر نشده و محدوده‌های اطلاعات خود را یکی پس از دیگری فاش نسازد.

۵. ترسیم وقایع مطابق میل خود!

اطلاعات بازجو مانند چند کلمه از کلمات یک جمله‌ی بلند است که چون بازجو سایر کلمات آن را نمی‌داند، نمی‌تواند مفهوم جمله را درک کند، لذا تلاش می‌کند تا سایر کلمات را در طی بازجویی بیابد. شما باید با تیزهوشی و درایت جمله‌ی مورد نظر خود را با کلمات بازجو یا همان دانسته‌های بازجو و سایر کلمات دلخواه بسازید و او را از دانستن جمله‌ای که برای شما در دسرساز است، دور کنید.

۶. موقعیت خود را به رخ بازجو بکشید!

برخی اوقات لازم است به بازجو گوشزد کنید که شما یک فعال سیاسی یا مدنی هستید نه یک دزد و قاچاقچی. به او بگویید درست نیست با روش‌های غیرقانونی و غیرعادلانه از شما اعتراف بگیرد یا اینکه بگوید او را درک می‌کنید که مجبور است به خاطر مخارج زندگی، بازجویی را به‌عنوان یک شغل انتخاب کند. چنین گفتاری موقعیت واقعی شما را به رخ بازجو کشیده و ممکن است او را در رفتار با شما دچار محدودیت نماید.

۷. رویارویی با ضرب و شتم و شکنجه!

استفاده از ضرب و شتم اصولاً روشی منسوخ برای بازجویی است، چراکه گاهی فرد را به شدت مقاوم می‌سازد و ممکن است برای بازجویان نتیجه‌ای عکس داشته باشد. این روش عمدتاً نه به هدف تخلیه‌ی اطلاعاتی بلکه بیشتر برای جلوگیری از تکرار فعالیت در آینده و تنبیه بکار می‌رود.

ایمان قوی به هدفی که دارید، شجاعت، قدرت تحمل، جسارت، تمرین و ممارست برای رویارویی با چنین خشونت‌هایی می‌تواند مقاومت شما را در این مورد افزایش دهد.

یک توصیه: در مقابل کتک، فحش و توهین خصوصاً در اوایل بازجویی بهتر است تحریک نشوید، خونسردی خود را حفظ کنید تا به محیط عادت کرده و بر استرس خود فائق آید.

یک تجربه: فردی که مورد ضرب و شتم بازجو قرار می‌گیرد، با فریاد زدن، کمک خواستن، نگهبان را شاهد گرفتن و با تهدید به شکایت، بعد یا در حین بازجویی ممکن است باعث عقب‌نشینی یا توقف بازجو می‌شود.

۸- بازجویی همیشه به شدیدترین نحو ممکن انجام نمی‌شود!

همیشه بازجویی با آخرین شدت شکنجه‌ی روحی و روانی صورت نمی‌گیرد، بنابراین بی‌دلیل از تهدیدهای بازجو نهراسید. بازجویی گاهی صرفاً به منظور کسب اطلاعات بیشتر یا باهدف جلوگیری متهم از یک فعالیت قانونی یا غیرقانونی در آینده صورت می‌گیرد؛ بنابراین، این تصور را ازسرتان بیرون کنید که تمام اختیارات لازم به بازجو داده شده تا شما را به بی‌رحمانه‌ترین وجه ممکن آزار دهد.

چگونه در پاسخ به سؤالات بهتر عمل کنیم؟

۱. می‌توانید گاهی جواب‌های خنثی و مفصل به سؤالات داده تا ذهنتان برای پاسخ آماده‌تر شود. به‌عنوان مثال بحث‌ها را به ویژگی‌های اخلاقی خود و افراد غیر مرتبط بکشانید.

۲. هرگز برای پاسخ به سؤالات بازجو عجله نکنید، حتماً مکث کرده، فکر کنید و بعد بدون تناقض پاسخ دهید.

البته پاسخ با تأخیر یا خیلی زود هنگام و طفره رفتن در پاسخ به سؤالات، برای بازجو نشانه‌ی مخفی‌کاری است و ممکن است دردسرساز باشد؛ بنابراین در پاسخ به سؤالات کنترلی یا خنثی نیز عمداً باید مکث کرده یا اشتباهاتی مشابه داشته باشید تا همه واکنش‌های شما در مواقع مختلف یکسان به نظر برسد.

۳. در صورت لزوم فقط به سؤالات بازجو پاسخ دهید، حتی‌المقدور در مورد جزئیات، چیزی نگویید و به‌هیچ‌عنوان به موارد دیگر نپردازید. خصوصاً زمانی که چند هم‌اتهامی دارید.

یک مثال: فردی در پاسخ به سؤال بازجو، جزئیاتی بی‌مورد از یک سفر کوهنوردی را بیان کرد.

او تعریف کرد که دوستش محسن آن شب تا از خواب پرید، گفت: «خواب دیدم از کوه سقوط کردم». بازجو همین مورد را به محسن چنین گفت: از آن روزی که خواب دیدی از کوه سقوط کردی، بگو. بازجو توانست با دادن جزئیات بیشتر، به محسن تلقین کند که آنها کوچک‌ترین موارد را نیز در مورد او می‌دانند چراکه دوستش،

- عامل آن‌ها بوده و همه چیز را به بازجو گفته است. در حالی که دوست محسن هیچ مورد قابل توجهی را به بازجویان نگفته بود.
۴. بارها اتفاق افتاده که زندانی در پاسخ به سؤالات بازجو، برای منحرف کردن وی، با جواب‌های جهت‌دار و هدفمند، بازجو را به سمت آگاهی از جزییات عملی دیگر هدایت کرده است بنابراین باید از این نوع پاسخ‌گویی خودداری کنیم.
۵. در دوران بازجویی از دادن اطلاعات، به هم‌سلولی و نگهبان خودداری کنید، به‌ویژه مواردی که بازجو نمی‌داند.
۶. اگر در یک تجمع دستگیر شده‌اید، حتی المقدور از هرگونه اظهارنظر در مورد سایر دستگیرشدگان خودداری کنید.
۷. اگر یک فعال شناخته‌شده نیستید و در یک تظاهرات ساده دستگیر شده‌اید، می‌توانید در پاسخ به سؤالات، نقش یک فرد کاملاً بی‌اطلاع را بازی کنید و بسیاری از موارد را انکار کنید.
۸. در پاسخ به سؤالات بازجو می‌توانید وانمود کنید سؤالات را به‌گونه‌ای دیگر فهمیده‌اید، پس به آن جوابی متفاوت دهید.
۹. برگه‌های تک نویسی: برگه‌های تک نویسی، برگه‌هایی هستند حاوی نام دوستان و افراد مرتبط با شما که در جلسات آخر بازجویی به شما داده می‌شود تا هر چه در مورد آنان می‌دانید، بنویسید. در این مورد می‌توانید به نوشتن اطلاعات عمومی در مورد این افراد که معمولاً در اختیار ارگان‌های امنیتی نیز هست، بسنده کنید. مگر این‌که آن‌ها را شناسید یا بخواهید به‌طور کلی شناخت آن‌ها را منکر شوید.
۱۰. برخی افراد در دوران بازجویی دچار فراموشی می‌شوند.
- بنابراین در مورد اسامی افراد، می‌توانید وانمود کنید که اسامی، خوب در ذهن شما نمی‌ماند. در نتیجه قادر به یادآوری و بازگو کردن آن‌ها نیستید. در این صورت بهتر است درجهایی که به ضررتان تمام می‌شود نیز، عمداً وانمود به فراموشی کنید تا این موضوع برای بازجویان تناقض‌آمیز و شک‌برانگیز نباشد.
۱۱. اگر برخی از دوستانتان **برای همیشه** به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند یا از دنیا رفته‌اند، می‌توانید برخی موارد را به گردن آن‌ها بیندازید.

شکنجه سفید

ترفندهای بازجویی و راههای مقابله با آن



آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی

www.diranish.org

ARAZ
NEWS

آراز نیوز مئدییا قروپو

www.araznews.org